



## بررسی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای با تاکید بر عوامل فرهنگی، فناوری، و دولتی و قانونی

محبوبه خداپرست<sup>۱</sup>، محمد سلطان حسینی<sup>۲</sup>، مهدی سلیمی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۱/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۶

### چکیده

**هدف:** هدف تحقیق بررسی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای با تاکید بر عوامل فرهنگی، فناوری، و دولتی و قانونی بود.

**روش شناسی:** هدف تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی بود. محدوده مطالعاتی پژوهش، شهر اصفهان و نمونه آماری به صورت تمام شمار و در دسترس انتخاب شد و شامل ۱۱۹ نفر از ورزشکاران و مربیان حرفه ای، مدیران عامل و معاونین باشگاه های ورزش حرفه ای، و اساتید مدیریت ورزشی و اقتصاد بود. ابزار اندازه گیری، پرسشنامه محقق ساخته، شامل ۲۰ سوال بود، که روایی صوری و محتوایی آن توسط اساتید مدیریت ورزشی و اقتصاد تایید شد، و آلفای کرونباخ آن ۰/۸۹ به دست آمد. برای تحلیل داده ها از رگرسیون چندگانه گام به گام، آزمون t تک نمونه ای و آزمون فریدمن استفاده شد.

**یافته ها:** نتایج نشان داد گویه های عدم گسترش فرهنگ مالیاتی، در میان عوامل فرهنگی، ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی، در میان عوامل فناوری و نرخ های بالای مالیاتی برای ورزشکاران و مربیان، در میان عوامل دولتی و قانونی مهم ترین عوامل از نظر پاسخ دهندگان بودند. **نتیجه گیری:** با توجه به تاثیرگذار بودن هر سه مؤلفه تحقیق، مسئولین می توانند از روش های مختلفی مانند گسترش تبلیغات سراسری برای افزایش فرهنگ مالیاتی، استفاده از تکنولوژی های به روز برای ثبت اطلاعات مالی، و تعدیل نرخ های مالیاتی برای ورزشکاران و مربیان تا حدودی با پدیده فرار مالیاتی در ورزش مقابله کنند.

**واژه های کلیدی:** فرار مالیاتی، عوامل فرهنگی، عوامل فناوری، عوامل دولتی و قانونی، ورزشکاران و مربیان حرفه ای.

۱. دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی دانشگاه تهران

۲. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه اصفهان

۳. استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه اصفهان

\* نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: mkhodaparast90@yahoo.com

## مقدمه

با گذشت زمان و ابداع روش های جدید و سریع ارتباطی و تمایل به شهرنشینی، نیازهای تازه ای برای افراد مطرح شد و وظایف دولت ها گسترش و تنوع چشمگیری در زمینه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پیدا کرد. به منظور اجرای این وظایف می بایست منابع درآمدی برای دولت مشخص می شد، که امروزه برخی از مهم ترین منابع درآمدی دولت، مالیات ها، بهره برداری از منابع طبیعی، فروش خدمات و کالاها، انحصارات و مالکیت دولت، و وصول اصل و بهره وام های پرداختی می باشد، که در یک اقتصاد نسبتاً سالم می بایست سهم مالیات ها از سایر منابع درآمد بیشتر باشد. مالیات یکی از بهترین ابزار برای بالا بردن پتانسیل عملکرد و کارایی دولت برای بخش عمومی مانند برنامه های بیمه ای و پرداخت وام می باشد (کالدور<sup>۱</sup>، ۱۹۶۳). اما، فرار و اجتناب مالیاتی در کشورها باعث شده تا درآمدهای مالیاتی، همواره از آنچه برآورد می شود کمتر باشد، بنابراین تمامی کشورها تلاش خود را برای کاهش این دو پدیده به کار گرفته یا از طریق اصلاح نظام مالیاتی، به چاره جویی برخاسته اند. در طول زمان و با توجه به تغییر و گسترش وظایف دولت ها، تعاریف مختلفی برای مالیات انجام شده است که یکی از تعاریفی که نسبتاً جامع به نظر می رسد، مالیات را برداشت قسمتی از درآمد یا دارایی فرد بر حسب توانایی وی، برای تامین مخارج عمومی وصف کرده است (طباطبایان، ۱۳۹۲: ۱۰). هم چنین در تعریف صندوق بین المللی پول، مالیات عبارت است از وجوه اجباری، غیرجبرانی و

غیرقابل برگشت که دولت برای مقاصد عمومی مطالبه می کند (زهی و محمدخانی، ۱۳۸۹). مالیات از اهم منابع درآمدی دولت است که پذیرش آن از طرف ملت به ویژگی های فرهنگی و نحوه اجرای آن از طرف دولت، به مسائل مختلفی مانند پیشرفت های فناوری و مسائل دولتی و قانونی هر کشور بستگی دارد. در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته که بودجه دولت به نفت وابسته نیست، بیش از ۷۰ تا ۹۵ درصد درآمد دولت از طریق مالیات تأمین می شود، جالب آن که درآمد همین کشورها از مالیات، از درآمد حاصل از صادرات نفت ما بیشتر است. در کشورهای سوئد، دانمارک و فنلاند بیش از ۹۰ درصد درآمدهای کشور از طریق مالیات تأمین می شود (آذری، ۱۳۹۱)، اما در اقتصاد کشور ما به دلیل ضعف فرهنگ مالیاتی، پیچیدگی و ابهام در قوانین و بخشنامه های مالیاتی، شفاف نبودن درآمدها و عدم توانایی و به روز نبودن سیستم مالیاتی در شناسایی صحیح میزان درآمد مردم، و عوامل دیگر، میزان مالیات تشخیصی ناچیز بوده، کما این که بخش قابل توجهی از همین مالیات تشخیصی نیز به مرحله وصول نمی رسد و اگر هم وصول گردد اصل فایده در آن رعایت نمی شود یعنی هزینه وصول نسبت به مالیات وصولی بیشتر است. بنابراین در ایران سهم کمی از درآمدهای دولت به مالیات ها اختصاص دارد، که یکی از مهم ترین دلایل آن فرار مالیاتی گسترده در اقتصاد کشور است (خداپرست، ۱۳۹۳: ۲). فرار مالیاتی اقدام نادرستی است که به موجب آن مالیات دهندگان تلاش می کنند تا با

1. Kaldor

نظارتی قدرتمند بر نحوه مصرف مالیات در این کشورها است که عملکرد آنها، مالیات دهندگان را مطمئن می‌سازد که مالیات های آنها دقیقاً برای همان مصارفی که در بودجه دولت ها منظور شده است، پرداخت می‌شود. بنابراین یکی از شاخص‌های مهم توسعه یافتگی در کشورهای مزبور، وجود فرهنگ بسیار نیرومند و خلل ناپذیر در پرداخت مالیات به دولت است، تا حدی که طفره رفتن از پرداخت مالیات در این کشورها به هر دلیل و بهانه یا عدم اعلام دقیق میزان درآمد سالانه، در فرهنگ اجتماعی شهروندان آنها، عملی زشت و ناپسند و غیر قابل گذشت محسوب می‌شود. بنابراین برای ایجاد فرهنگ مالیاتی مطلوب، باید در مردم باور و اعتقاد عمومی نسبت به مالیات ایجاد شود و مردم نسبت به دولت و پرداخت هزینه‌های آن نگاهی مثبت داشته باشند (اعتمادی، ۱۳۹۲: ۵).

مهم‌ترین مساله‌ای که به نظر متخصصان در فرهنگ مالیاتی مؤثر است، تبلیغ در ارتباط با مسائل مالیاتی است و قطعاً اگرچه شرط کافی مساله نیست ولی شرط لازم است. در کتاب‌های درسی، در کانون‌های مختلف اجتماعی، در سینماها و فیلم‌های تلویزیونی یا برنامه‌های رادیویی کشور، تقریباً نشانی از مساله مالیات که حیاتی‌ترین مساله یک اقتصاد سالم است دیده نمی‌شود، یا اگر هم باشد خیلی ضعیف است. در حالی که می‌توان با تبلیغات و آگاهی‌رسانی از طریق رادیو و تلویزیون در این زمینه به اصلاح وضع موجود پرداخت و تحولات اساسی ایجاد کرد. به طور کلی هرچه جامعه‌ای دارای فرهنگ مالیاتی غنی‌تری باشد، وصول مالیات با موفقیت و سهولت بیشتری همراه است و مؤدیان مالیاتی نیز با رغبت و احساس مسئولیت بیشتری اقدام

استفاده از ابزارهای غیرقانونی، بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. به گفته فارایولا<sup>۱</sup> (۱۹۸۷)، فرار مالیاتی تقلب، حيله گری، تحریف عمدی یا پنهان کردن اعداد و ارقام با هدف اجتناب از پرداخت و یا کاهش میزان مالیات پرداختی است (به نقل از مرادی و همکاران، ۱۳۹۲). در مقابل، اجتناب از پرداخت مالیات، اصطلاحی است که برای توصیف رفتار مالیات دهندگان با هدف تقلیل بدهی مالیاتی و بدون تخلف از قوانین مالیاتی استفاده می‌شود (دایره بین المللی مستندات مالی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). به طور کلی تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می‌شود، که نظام مالیاتی در شرایط آرمانی، باید هم قابلیت مقابله با فرار مالیاتی و هم اجتناب مالیاتی را داشته باشد (رشیدی، ۱۳۹۱).

فرهنگ مالیاتی را می‌توان مجموعه‌ای از طرز تلقی، بینش و عکس‌العمل اشخاص در قبال سیستم مالیاتی دانست. بدیهی است سطح دانش، فرهنگ، آرمان‌ها و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی، عوامل مهمی هستند که فرهنگ مالیاتی را در جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهند. راث و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) معتقدند که زمینه های مختلف فرهنگی که تفسیر اشخاص از وقایع را شکل می‌دهند، ممکن است در نگرش آنها نسبت به فرار مالیاتی نیز اثر داشته باشند. یک عامل بسیار مهم در ترویج فرهنگ پرداخت مالیات در کشورهای پیشرفته، وجود سازمان‌های

1. Farayola
2. International Bureau of Fiscal Documentation
3. Roth, Scholz, & Witte

برای تعیین مالیات و نرخ های بالای مالیاتی را از عوامل مهم در فرار مالیاتی معرفی کردند. اکوئگال ایبادین و اییا<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) در مقاله ای بیان کردند رابطه معناداری بین فرهنگ پرداخت کنندگان مالیات و تصمیم آنها برای فرار یا اجتناب مالیاتی وجود دارد. معظم مقال و اکرم<sup>۵</sup> (۲۰۱۲) در مقاله ای با عنوان "بررسی اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی در پاکستان"، نبود برنامه های تبلیغی و روشنگری مالیاتی در رابطه با فرهنگ مالیاتی را عامل مهمی در فرار مالیاتی مؤدیان بیان کردند. اودیل و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین فرهنگ و فرار مالیاتی پرداختند، که بر اساس نتایج تحقیق هرچه افراد از فرهنگ مالیاتی بالاتری برخوردار باشند میزان فرار مالیاتی در میان آنها کم تر خواهد بود. اعتمادی (۱۳۹۲) در تحقیقی نبود برنامه های تبلیغی برای افزایش فرهنگ مالیاتی و همچنین پیچیدگی و غامض بودن قوانین و مقررات مالیاتی، و مکانیزه نبودن سیستم مالیاتی را عوامل مهمی در فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه ای معرفی کرد، و مرادی و همکاران (۱۳۹۲) نیز مقاله ای با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی" انجام دادند، که در این تحقیق پیچیدگی قوانین، ضعف فرهنگ مالیاتی و به روز نبودن سیستم های مالیاتی از مهم ترین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بیان شد.

به طور کلی بررسی ادبیات تجربی نشان می دهد که فرار مالیاتی یکی از مهم ترین موضوعات تحقیق در بسیاری از کشورهای در حال توسعه

به انجام وظایف قانونی خود می کنند (اودیل و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). هم چنین در نظام مالیاتی کشورهای پیشرفته، مالیات از تطابق شغل شخص به دست می آید. آنها بانک های اطلاعاتی متناظر شده ای دارند که به طور مرتب به روز می شوند و لذا اطلاعات شغل شخص همیشه در دسترس سازمان مالیاتی است؛ اما در ایران هیچ یک از این بانک های اطلاعاتی وجود ندارد و صرفا ادارات مالیاتی هر شهر یا استان براساس مشاهدات میدانی یا اطلاعات پراکنده ای که از منابع رسمی به دست می آورند، سراغ مؤدیان می روند. این است که می بینیم در این نظام مالیاتی تنها مالیات کارمندان دولت براحتی و با شفافیت کامل دریافت می شود؛ چراکه دولت تعداد حقوق بگیران خود را دقیقاً می داند و قبل از پرداخت پول، اقدام به کسر مالیات می کند؛ اما در سایر بخش ها، این بانک های اطلاعاتی به دلیل ضعف سیستم مالیاتی وجود ندارد، و مالیات به طور دقیق محاسبه و دریافت نمی شود (اعتمادی، ۱۳۹۲: ۶).

اوکیو و ازجیفر<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) در مقاله ای با عنوان "اثر مالیات الکترونیک بر تولید درآمد در ایالت انوگو نیجریه" بیان کردند مالیات الکترونیک می تواند باعث کاهش فرار مالیاتی و افزایش پیروی مؤدیان مالیاتی از قوانین مالیاتی و هم چنین باعث افزایش درآمد داخلی شده، و از فساد مقامات مالیاتی جلوگیری کند. سایدو و داودا<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در مقاله ای تحت عنوان "فرار مالیاتی و متهم ساختن نحوه مدیریت، در بخش غیر رسمی نیجریه"، عدم وجود اصول مشخص

4. Okoeguale, Ibadin & Eiya
5. Muazzam Mughal & Akram

1. Uadial, Fagbemi & Ogunleye
2. Okoye & Ezejiofor
3. Saidu & Dauda

بوده است (اندرونی و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ ریچاردسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶؛ تساکومیس و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷؛ ریچاردسون، ۲۰۰۸؛ اودیل و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰)، و در این تحقیق موضوع فرار مالیاتی در زمینه ورزش مورد بررسی قرار گرفته است، چرا که امروزه ورزش یکی از ابعاد مهم اقتصادی در کشور است و از طریق آن درآمدهای قابل توجهی نصیب ورزشکاران و مربیان، بخصوص در فوتبال می شود، که اگر مالیات آنها بر اساس قوانین و دقیق پرداخت شود می تواند در توسعه و پیشرفت ورزش کشور نقش مهمی داشته باشد، این در حالی است که بررسی ها و خبرهای مختلف نشان می دهد که بسیاری از ورزشکاران بخصوص فوتبالیست ها از روش های مختلفی درآمد واقعی خود را مخفی کرده و به نوعی از پرداخت مالیات فرار می کنند. معمولاً قراردادهای داخلی که در باشگاه ها بسته می شود قیمت دقیق بازیکنان است و پولی که این بازیکنان از باشگاه ها می گیرند بر اساس همین قراردادهای داخلی است، اما وقتی کار به ثبت قانونی قرارداد در هیأت ها و فدراسیون ها می رسد، باشگاه ها و بازیکنان برای این که مالیات کمتری پرداخت کنند تا جایی که امکان دارد رقم ثبت شده را پایین می آورند. در حالی که ورزشکاران با پرداخت سهمی از درآمد خود به عنوان مالیات، می توانند باعث توسعه و گسترش امکانات و تسهیلات ورزشی کشور شوند (اعتمادی، ۱۳۹۲: ۴).

در دنیا برای نقل و انتقالات بازیکنان، آژانس های قانونی تاسیس شده است و همان طور که در دفتر «ثبت اسناد»، یک ملک با قیمت اصلی خود ثبت و در همان جا، مالیات آن پرداخت می شود، در این آژانس ها نیز، دیگر چیزی به نام قرارداد داخلی ثبت نمی شود و بازیکن، پس از به توافق رسیدن، قرارداد رسمی امضا می کند. اما در کشور ما چنین نیست و برخلاف بسیاری از نقاط دنیا که فوتبال به عنوان یک ورزش کاملاً حرفه ای، به تنهایی درآمدزاست و متکی به اعتبارات دولتی نیست، دولت نقش مهمی در تامین مبالغ قراردادهای و هزینه های تیم ها دارد. همانطور که مسئولین امر بارها اعلام نموده اند اکثر تیم های فوتبال کشورمان در سطوح بالای دولتی بوده و هزینه های خود را از محل کارخانجات وابسته به دولت نظیر مس کرمان، فولاد مبارکه اصفهان، ایران خودرو، سایپا و غیره تامین می کنند و به نوعی بر سر سفره بیت المال نشسته اند. بنابراین ورزشکاران و مربیان می توانند با پرداخت مالیات خود به پیشرفت کشور به خصوص در بخش ورزش کمک کنند (خداپرست، ۱۳۹۳: ۳ و ۴).

بر این اساس در این تحقیق به بررسی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای با تاکید بر عوامل فرهنگی، فناوری، و دولتی و قانونی پرداخته شده است. امید است که نتایج این تحقیق بتواند مدیران و مسئولان را در امر مقابله با پدیده فرار مالیاتی در ورزش کمک و یاری دهد.

### روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش از نوع توصیفی است، که گردآوری

1. Andreoni
2. Richardson
3. Tsakumis
4. Uadiale

۱۰ نفر از اساتید برجسته مدیریت ورزشی و اقتصاد مورد تایید قرار گرفت و هم چنین جهت سنجش پایایی، این پرسشنامه در اختیار ۳۰ نفر از افراد نمونه قرار گرفت که پس از جمع آوری، ضریب آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۸۹ حاصل گردید که نشانگر پایایی مطلوب آن بود. جهت تعیین سهم نسبی هر یک از سه مؤلفه تحقیق بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای، از تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام، جهت تعیین معنادار بودن تفاوت بین میانگین های حاصل از نظرات افراد نمونه در هر گویه و میانگین فرضی (۳)، از آزمون t تک نمونه، و به منظور اولویت بندی گویه ها در هر گروه از مؤلفه ها، از آزمون فریدمن استفاده گردید.

### یافته های پژوهش

جدول ۱ اطلاعات جمعیت شناختی گروه نمونه آماری را ارائه می دهد. این جدول شامل جنسیت، تحصیلات، شغل، سن و رشته ورزشی پاسخ دهندگان می باشد. ۹۳/۳ درصد از پاسخ دهندگان را مردان و ۸۲/۴ درصد از آنان را ورزشکاران تشکیل می دادند، و ۴۷/۹ درصد نمونه آماری دارای مدرک تحصیلی لیسانس، و ۸۳/۲ درصد آنان ۳۰ سال و کمتر سن داشتند، هم چنین ۲۹/۴ درصد پاسخ دهندگان را فوتبالیست ها تشکیل می دادند.

اطلاعات آن به صورت پیمایشی انجام پذیرفت. نمونه آماری پژوهش به صورت تمام شمار و در دسترس در نظر گرفته شد. بر این اساس تعداد ۱۰ پرسشنامه میان مدیران عامل و معاونین باشگاه های ورزش حرفه ای توزیع گردید که تعدادی از آنها باز گردانده نشد و در نهایت ۵ پرسشنامه جمع آوری شد. ۱۱۰ پرسشنامه هم میان ورزشکاران توزیع گردید که پس از جمع آوری ۱۲ عدد از آنها به دلایل مختلف مورد قبول واقع نشدند. هم چنین تعداد ۱۰ عدد پرسشنامه توسط مربیان باشگاه های ورزش حرفه ای و ۶ پرسشنامه هم توسط اساتید مدیریت ورزشی و اقتصاد، آگاه به موضوع تحقیق پر گردید. لذا در مجموع اطلاعات مربوط به ۱۱۹ پرسشنامه مبنای پژوهش حاضر قرار گرفت. در پژوهش حاضر به منظور جمع آوری اطلاعات، جهت تعیین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای، به مطالعه و جستجو در منابع علمی از جمله مقالات، کتاب های معتبر، سایت های علمی و خبری معتبر و هم چنین گفتگو و مصاحبه با اساتید برجسته مدیریت ورزشی و اقتصاد پرداخته شد. پس از جمع آوری عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی، از طریق مشورت با اساتید آگاه به حیطه پژوهش، عوامل به سه دسته شامل عوامل فرهنگی، عوامل فناوری و عوامل دولتی و قانونی طبقه بندی گردید. نهایتاً پرسشنامه پژوهش در دو بخش، که بخش اول آن شامل مشخصات فردی پاسخ دهندگان (شامل ۵ سوال) و بخش دوم آن شامل عوامل بروز پدیده فرار مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای در قالب ۱۵ سوال بود، طراحی و در اختیار پاسخ دهندگان قرار گرفت. روایی محتوا و صوری پرسشنامه طراحی شده توسط

| جدول ۱. توزیع پاسخ دهندگان بر اساس جنسیت، تحصیلات، شغل، سن، و رشته ورزشی |                                |       |      |
|--------------------------------------------------------------------------|--------------------------------|-------|------|
| ویژگی جمعیت شناختی                                                       | وضعیت                          | تعداد | درصد |
| جنسیت                                                                    | مرد                            | ۱۱۱   | ۹۳/۳ |
|                                                                          | زن                             | ۸     | ۶/۷  |
| تحصیلات                                                                  | زیر دیپلم و دیپلم              | ۲۱    | ۱۷/۶ |
|                                                                          | فوق دیپلم                      | ۲۱    | ۱۷/۶ |
|                                                                          | لیسانس                         | ۵۷    | ۴۷/۹ |
|                                                                          | فوق لیسانس                     | ۱۲    | ۱۰/۱ |
| شغل                                                                      | دکتری                          | ۸     | ۶/۷  |
|                                                                          | ورزشکار                        | ۹۸    | ۸۲/۴ |
|                                                                          | مدیرعامل یا معاون باشگاه ورزشی | ۵     | ۴/۲  |
|                                                                          | مربی                           | ۱۰    | ۸/۴  |
| سن                                                                       | استاد دانشگاه                  | ۶     | ۵    |
|                                                                          | ۳۰ سال و کمتر                  | ۹۹    | ۸۳/۲ |
|                                                                          | ۳۱-۴۰ سال                      | ۵     | ۴/۲  |
|                                                                          | ۴۱-۵۰ سال                      | ۶     | ۵    |
| رشته ورزشی                                                               | بالتر از ۵۰ سال                | ۹     | ۷/۵  |
|                                                                          | فوتبال                         | ۳۵    | ۲۹/۴ |
|                                                                          | بسکتبال                        | ۲۰    | ۱۶/۸ |
|                                                                          | سایر رشته ها                   | ۶۴    | ۵۳/۹ |

جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس این آزمون را برای پیش بینی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای نشان می دهد.

به منظور تعیین سهم نسبی هر یک از عوامل فرهنگی، فناوری و دولتی و قانونی بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای از روش رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شد، که

جدول ۲. تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه گام به گام برای پیش بینی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای

| مدل | منبع تغییرات | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F      | P     |
|-----|--------------|---------------|------------|-----------------|--------|-------|
| ۱   | رگرسیون      | ۲۵۳۶/۰۳۱      | ۱          | ۲۵۳۶/۰۳۱        |        |       |
|     | باقی مانده   | ۲۹۹/۶۹۷       | ۱۱۷        | ۲/۵۶۲           | ۳۴/۴۵۹ | ۰/۰۰۱ |
|     | کل           | ۲۸۳۵/۷۲۷      | ۱۱۸        |                 |        |       |
| ۲   | رگرسیون      | ۲۷۲۷/۳۹۲      | ۲          | ۱۳۶۳/۶۹۶        |        |       |
|     | باقی مانده   | ۱۰۸/۳۳۶       | ۱۱۶        | ۰/۹۳۴           | ۴۱/۵۵۳ | ۰/۰۰۱ |
|     | کل           | ۲۸۳۵/۷۲۷      | ۱۱۸        |                 |        |       |
| ۳   | رگرسیون      | ۲۸۳۵/۷۲۷      | ۳          | ۹۴۵/۲۴۲         |        |       |
|     | باقی مانده   | ۰/۰۰۰         | ۱۱۵        | ۰/۰۰۰           | ۳۴/۷۴۰ | ۰/۰۰۱ |
|     | کل           | ۲۸۳۵/۷۲۷      | ۱۱۸        |                 |        |       |

بر اساس نتایج جدول ۲، بر پایه مدل اول، عوامل فرهنگی ( $F=34/459, P\leq 0/01$ )، بر پایه مدل دوم عوامل فرهنگی و عوامل دولتی و قانونی ( $F=41/553, P\leq 0/01$ )، و بر پایه مدل سوم عوامل فرهنگی، عوامل دولتی و قانونی، و عوامل فناوری ( $F=34/740, P\leq 0/01$ ) به طور معناداری توانایی پیش بینی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای را دارند، بر این اساس تحلیل واریانس، اعتبار تحلیل رگرسیون گام به گام را در پیش بینی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای مورد تایید قرار می دهد.

با توجه به نتایج جدول ۲، جدول ۳ ضرایب رگرسیون پیش بینی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای بر اساس عوامل فرهنگی، فناوری، و دولتی و قانونی را نشان می دهد. بر این اساس کلیه مؤلفه های پیش بین، توان پیش بینی معناداری برای فرار مالیاتی ورزشکاران و

مربیان حرفه ای داشتند، و عوامل فرهنگی با ضریب استاندارد بتا  $0/613$  قوی ترین مؤلفه پیش بین برای فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای می باشد، و پس از آن عوامل دولتی و قانونی و عوامل فناوری به ترتیب قدرت پیش بینی بیشتری دارند. به این ترتیب معادله رگرسیون نهایی برای فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای به شرح زیر می باشد:

$$\text{فرار مالیاتی} = \text{عوامل فرهنگی} (0/613) + \text{عوامل دولتی و قانونی} (0/276) + \text{عوامل فناوری} (0/254)$$

با توجه به فرمول رگرسیون به دست آمده، یک انحراف معیار تغییر در عوامل فرهنگی، عوامل دولتی و قانونی، و عوامل فناوری، به ترتیب باعث  $0/613$ ،  $0/276$ ، و  $0/254$  انحراف معیار تغییر در فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای می شود.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد برای فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای

| مدل                  | ضرایب غیر استاندارد | خطای استاندارد | ضرایب استاندارد | معناداری |
|----------------------|---------------------|----------------|-----------------|----------|
|                      | بتا                 | استاندارد      | بتا             |          |
| مقدار ثابت           | ۱۴/۱۵۴              | ۱/۴۸۱          | -               | ۰/۰۰۱    |
| عوامل فرهنگی         | ۱/۰۰۰               | ۰/۰۷۱          | ۰/۶۱۳           | ۰/۰۰۱    |
| عوامل دولتی و قانونی | ۱/۰۰۰               | ۰/۰۷۶          | ۰/۲۷۶           | ۰/۰۰۱    |
| عوامل فناوری         | ۰/۲۰۰               | ۰/۰۶۱          | ۰/۲۵۴           | ۰/۰۱۲    |

در این پژوهش به منظور بررسی معنادار بودن تفاوت بین میانگین های حاصل از نظرات افراد نمونه در هر گویه و میانگین فرضی (نقطه میانی طیف لیکرت یعنی عدد "۳") از آزمون t تک

نمونه استفاده شد، و سپس به منظور اولویت بندی هر یک از گویه ها از آزمون فریدمن استفاده گردید.

## جدول ۴. نتایج آزمون t تک نمونه بر اساس سطح متوسط و آزمون فریدمن برای گویه های عوامل فرهنگی

| سطح معناداری آزمون فریدمن<br>۰/۰۱۷ | رتبه | میانگین<br>رتبه | sig   | اختلاف<br>میانگین | عوامل فرهنگی                                                                             | آزمون t تک نمونه برای هر یک از گویه های عوامل فرهنگی بر اساس سطح متوسط | آزمون فریدمن |
|------------------------------------|------|-----------------|-------|-------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------|--------------|
|                                    | ۲    | ۲/۰۲            | ۰/۰۰۱ | ۰/۹۵۸             | مبهم و نامشخص بودن نحوه بکارگیری درآمدهای مالیاتی و یا طرز تلقی اشتباه از آن برای مؤدیان |                                                                        |              |
|                                    | ۳    | ۱/۸۴            | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۶۵             | عدم شناخت مؤدیان از اهمیت پرداخت مالیات و نقش آن در اقتصاد                               |                                                                        |              |
|                                    | ۱    | ۲/۱۴            | ۰/۰۰۱ | ۱/۰۴۲             | عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه                                                         |                                                                        |              |
|                                    | -    | -               | ۰/۰۰۱ | -۰/۴۱۲            | جایگزین دانستن پرداخت های شرعی به جای مالیات                                             |                                                                        |              |
|                                    | -    | -               | ۰/۴۴۴ | ۰/۰۶۷             | عدم تفاهم و اعتماد فی مابین ماموران تشخیص مالیات و مؤدیان مالیاتی                        |                                                                        |              |
|                                    | -    | -               | ۰/۲۴۳ | ۰/۱۰۹             | وجود رانت و رابطه غیر قانونی باشگاه ها با مامورین مالیاتی                                |                                                                        |              |

حذف شده و در آزمون رتبه ای فریدمن در نظر گرفته نمی شوند. هم چنین با توجه به سطح معناداری به دست آمده در آزمون فریدمن، فرض یکسان بودن ۳ گویه تعریف شده رد می شود، و مشخص می گردد که این گویه ها تاثیر متفاوتی بر بروز پدیده فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای دارند، که در این میان گویه عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، با میانگین رتبه ۲/۱۴، در رتبه اول و دارای بیشترین اهمیت می باشد.

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که در میان گویه های مربوط به عوامل فرهنگی، گویه های شماره ۱، ۲ و ۳ دو شرط لازم یعنی اختلاف میانگین مثبت نسبت به سطح متوسط، و اختلاف معنادار ( $P \leq 0.05$ ) نسبت به همین سطح را دارا می باشند، بنابراین در این گویه ها فرض صفر ( $H_0: \mu = 3$ ) رد می گردد و می توان بیان نمود که میانگین نمونه به طور معناداری بزرگتر از سطح متوسط می باشد ( $H_A: \mu > 3$ )، اما گویه های ۴، ۵ و ۶ به دلیل اختلاف میانگین منفی و یا نداشتن اختلاف معنادار، از عوامل فرهنگی

## جدول ۵. نتایج آزمون t تک نمونه بر اساس سطح متوسط و آزمون فریدمن برای گویه های عوامل فناوری

| سطح معناداری آزمون فریدمن<br>۰/۰۱۳ | رتبه | میانگین<br>رتبه | sig   | اختلاف<br>میانگین | عوامل فناوری                                            | آزمون t تک نمونه برای هر یک از گویه های عوامل فناوری بر اساس سطح متوسط | آزمون فریدمن |
|------------------------------------|------|-----------------|-------|-------------------|---------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------|--------------|
|                                    | ۱    | ۱/۵۹            | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۸۰             | ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی |                                                                        |              |
|                                    | ۲    | ۱/۴۱            | ۰/۰۰۱ | ۰/۳۷۰             | مکانیزه نبودن سیستم مالیاتی                             |                                                                        |              |

نتایج جدول ۵ نشان می دهد که همه گویه های مربوط به عوامل فناوری، دو شرط لازم یعنی اختلاف میانگین مثبت نسبت به سطح متوسط، و اختلاف معنادار ( $P \leq 0.05$ ) نسبت به همین سطح را دارا می باشند. بنابراین در این گویه ها فرض صفر ( $H_0: \mu = 3$ ) رد می گردد و می توان بیان نمود که میانگین نمونه به طور معناداری بزرگتر از سطح متوسط می باشد ( $H_A: \mu > 3$ ). هم چنین با توجه به سطح معناداری به دست

آمده در آزمون فریدمن، فرض یکسان بودن ۲ گویه تعریف شده رد می شود و مشخص می گردد که این گویه ها تاثیر متفاوتی بر بروز پدیده فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای دارند، که در این میان گویه ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی، با میانگین رتبه ۱/۵۹ در رتبه اول و دارای بیشترین اهمیت می باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون t تک نمونه بر اساس سطح متوسط و آزمون فریدمن برای گویه های عوامل دولتی و قانونی

| ردیف | عوامل دولتی و قانونی                                                     | اختلاف میانگین | sig   | آزمون فریدمن |              |
|------|--------------------------------------------------------------------------|----------------|-------|--------------|--------------|
|      |                                                                          |                |       | رتبه         | میانگین رتبه |
| ۱    | عدم همکاری دستگاه ها در جهت کاهش فرار مالیاتی                            | ۰/۲۶۹          | ۰/۰۰۲ | ۷            | ۳/۱۸         |
| ۲    | عدم وجود اصول مشخص برای تعیین مالیات                                     | ۰/۷۸۲          | ۰/۰۰۱ | ۲            | ۴/۲۶         |
| ۳    | نرخ های بالای مالیاتی برای ورزشکاران و مربیان                            | ۰/۹۷۵          | ۰/۰۰۱ | ۱            | ۴/۶۱         |
| ۴    | عدم تبلیغات کافی و مناسب توسط رسانه های گروهی در جهت پرداخت بهینه مالیات | ۰/۵۶۳          | ۰/۰۰۱ | ۶            | ۳/۸۳         |
| ۵    | عدم وجود تناسب بین حقوق مؤدیان و مالیات دریافتی از آنان                  | ۰/۷۴۸          | ۰/۰۰۱ | ۳            | ۴/۱۳         |
| ۶    | پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات و بخشنامه های مالیاتی                 | ۰/۶۶۴          | ۰/۰۰۱ | ۴            | ۴/۰۳         |
| ۷    | تورم، عدم ثبات اقتصادی و افزایش هزینه های زندگی                          | ۰/۶۰۵          | ۰/۰۰۱ | ۵            | ۳/۹۶         |

نتایج جدول ۶ نشان می دهد که همه گویه های مربوط به عوامل دولتی و قانونی، دو شرط لازم یعنی اختلاف میانگین مثبت نسبت به سطح متوسط، و اختلاف معنادار ( $P \leq 0.05$ ) نسبت به همین سطح را دارا می باشند. بنابراین در این گویه ها فرض صفر ( $H_0: \mu = 3$ ) رد می گردد و می توان بیان نمود که میانگین نمونه به طور معناداری بزرگتر از سطح متوسط می باشد ( $H_A: \mu > 3$ ). هم چنین با توجه به سطح

معناداری به دست آمده در آزمون فریدمن، فرض یکسان بودن ۷ گویه تعریف شده رد می شود و مشخص می گردد که این گویه ها تاثیر متفاوتی بر بروز پدیده فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای دارند، که در این میان گویه نرخ های بالای مالیاتی برای ورزشکاران و مربیان، با میانگین رتبه ۴/۶۱ در رتبه اول و دارای بیشترین اهمیت می باشد.

## بحث و نتیجه گیری

درآمدهای مالیاتی یکی از مهم ترین منابع درآمدی در بودجه اکثر دولت ها به ویژه کشورهای توسعه یافته بوده و به عنوان یک شاخص اقتصادی در رتبه بندی کشورها نیز مطرح می گردند، اما در کشور ما طبق آمار اعلام شده از سوی سازمان امور مالیاتی حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد آن بخشی از اقتصاد که باید مالیات پرداخت کنند، فرار مالیاتی دارند، هم چنین براساس آمارهای رسمی وزارت اقتصاد، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، هم اکنون در کشور ۸ درصد است، حال آن که این نسبت در کشورهای پیشرفته به بالای ۳۵ درصد می رسد (الماسی و همکاران، ۱۳۹۱). سیکا و هامیتون<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) بیان کردند فرار مالیاتی یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی در کشورهای در حال توسعه است که از پیشرفت این کشورها جلوگیری کرده و در حال گسترش در میان سیاستمداران و کشورهای غربی نیز می باشد. فرار مالیاتی در کشورهای در حال توسعه امری شایع است که عمدتاً به دلیل دشواری در جمع آوری اطلاعات مربوط به درآمد، تولید، مبادلات و اسناد، که ناشی از ضعف سیستم مالیاتی در این گونه کشورها است، حاصل می گردد. هم چنین اخذ مالیات برای بسیاری از مردم یک مفهوم عجیب، ناخوشایند و گاهی نیز غیرقابل درک به شمار می رود که این امر یعنی سرسختی در پرداخت مالیات، و تنها شمار اندکی از مردم علاقه مند به پرداخت مالیات هستند، که این موضوع نشان از ضعف فرهنگ مالیاتی در میان مؤدیان دارد.

امروزه توجه و سرمایه گذاری در ورزش، سبب توسعه و درآمد زایی در این زمینه شده و پیشرفت و درآمد زایی ورزش در برخی از رشته ها موجب درآمد کلان برخی از ورزشکاران شده است، اما بررسی قراردادهای مربیان و ورزشکاران، به خصوص بازیکنان سرشناس فوتبال نشان می دهد که اکثر قریب به اتفاق آنان درآمد واقعی خود را اعلام نمی کنند به همین دلیل درصد ناچیزی از میزان قرارداد خود را به عنوان مالیات پرداخت می کنند، بنابراین در این تحقیق موضوع فرار مالیاتی بر درآمد ورزشکاران و مربیان حرفه ای با تاکید بر عوامل فرهنگی، فناوری، و دولتی و قانونی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به نتایج به دست آمده، مشخص می شود که همه مؤلفه های در نظر گرفته شده برای بررسی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای، مؤلفه های پیش بین معنادار برای این موضوع می باشند، که در میان این مؤلفه ها عوامل فرهنگی، قوی ترین پیش بین برای این موضوع به شمار می آید و سپس به ترتیب عوامل دولتی و قانونی و عوامل فناوری، دارای قدرت پیش بین بیشتری برای فرار مالیاتی هستند.

در میان عوامل فرهنگی، گویه های عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، مبهم و نامشخص بودن نحوه بکارگیری درآمدهای مالیاتی و یا طرز تلقی اشتباه از آن برای مؤدیان، و عدم شناخت صحیح مؤدیان از اهمیت پرداخت مالیات و نقش آن در اقتصاد، به عنوان گویه های مؤثر بر بروز پدیده فرار مالیاتی از سوی پاسخ گویان مورد تایید قرار گرفتند. معظم مقال و اکرم (۲۰۱۲) عدم گزارش دولت از نحوه مصرف مالیات های جمع

<sup>۱</sup> Sikka & Hampton

آوری شده را عامل مهمی برای فرار مالیاتی مؤدیان بیان کردند. اکوینگال ایبادین و ایبا (۲۰۱۳) نیز رابطه معناداری بین فرهنگ پرداخت کنندگان مالیات و تصمیم آنها برای فرار یا اجتناب مالیاتی بیان کردند. اعتمادی (۱۳۹۲)، نیز نتایج مشابهی را در این باره بیان کرد، که این یافته ها با تحقیق حاضر همسویی دارند.

همه گویه های مربوط به عوامل دولتی و قانونی، شامل نرخ های بالای مالیاتی برای ورزشکاران و مربیان، عدم وجود اصول مشخص برای تعیین مالیات، عدم وجود تناسب بین حقوق مؤدیان و مالیات دریافتی از آنان، پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات و بخشنامه های مالیاتی، تورم، عدم ثبات اقتصادی و افزایش هزینه های زندگی، عدم تبلیغات کافی و مناسب توسط رسانه های گروهی در جهت پرداخت بهینه مالیات، و عدم همکاری دستگاه ها در جهت کاهش فرار مالیاتی، به عنوان گویه های مؤثر بر بروز پدیده فرار مالیاتی از سوی پاسخ گویان مورد تایید قرار گرفتند. یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در تضعیف و عدم اثر بخشی سیاست های مالیاتی، در میان عوامل دولتی و قانونی، پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی است، که این مساله به تنهایی به کارایی اجرایی سیاست های مالیاتی صدمه وارد کرده و باعث افزایش فرار مالیاتی میان مؤدیان می گردد، که نتایج تحقیق مرادی و همکاران (۱۳۹۲)، و اعتمادی (۱۳۹۲) نیز نتایج مشابهی را در این باره نشان می دهد، که نتایج این تحقیقات با تحقیق حاضر همسویی دارند. معظم مقال و اکرم (۲۰۱۲)، سایدو و داودا (۲۰۱۴)، و اعتمادی (۱۳۹۲)، در تحقیقاتی بالا بودن نرخ

های مالیاتی را از عوامل تاثیرگذار بر فرار مالیاتی معرفی کردند، که این یافته ها نیز با تحقیق حاضر همسویی دارند. پاسخ گویان معتقد بودند تورم، نرخ ارز و غیره باعث افزایش فرار مالیاتی مؤدیان می شود، که اعتمادی (۱۳۹۲) نیز در تحقیق خود به این موضوع دست یافت. هم چنین از دید پاسخ گویان نبود برنامه های روشنگری مالیاتی و تبلیغات در این زمینه عامل مهمی در موضوع فرار مالیاتی است، که مرادی و همکاران (۱۳۹۲)، و معظم مقال و اکرم (۲۰۱۲) نیز در تحقیق خود این موضوع را نتیجه گیری کردند، که این یافته ها نیز با تحقیق حاضر همسو هستند.

در میان عوامل فناوری، همه گویه ها شامل ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی، و مکانیزه نبودن سیستم مالیاتی به عنوان گویه های مؤثر بر بروز پدیده فرار مالیاتی از سوی پاسخ گویان مورد تایید قرار گرفتند. اوکیو و ازجیفر (۲۰۱۴) بیان کردند مالیات الکترونیک باعث کاهش فرار مالیاتی و افزایش پیروی مؤدیان مالیاتی از قوانین مالیاتی می شود، که یافته های آنها با نتایج تحقیق حاضر همسویی دارد.

با توجه به مطالب بیان شده، به منظور مقابله با فرار مالیاتی در بین ورزشکاران و مربیان حرفه ای راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

۱. گسترش تبلیغات سراسری برای افزایش فرهنگ مالیاتی از طریق روش های مختلف به خصوص رسانه ملی و روزنامه ها، و بیان اهمیت پرداخت مالیات و نقش آن در اقتصاد.

➤ آذری، مصطفی (۱۳۹۱). *مالیات فرصتی برای مدیریت اقتصادی*، روزنامه ایران، برگرفته در تیر ماه ۱۳۹۳ از سایت: [www.vista.ir](http://www.vista.ir).

➤ خداپرست، محبوبه (۱۳۹۳). *بررسی عوامل سازمانی و غیر سازمانی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای و ارائه راهکارهای مناسب جهت مقابله با آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، ص ۳ و ۴.

➤ رشیدی، طاهره (۱۳۹۱). *مجازات فرار از مالیات*، برگرفته در تیر ماه ۱۳۹۳ از سایت: [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net).

➤ زهی، نقی؛ محمدخانی، شهرزاد (۱۳۸۹). *بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)*، پژوهشنامه مالیات، شماره ۹، صص ۲۶-۲۹.

➤ طبائیان، احمد (۱۳۹۲). *مدیریت مالی و اداری*، جزوه آموزشی، دانشگاه اصفهان، دانشکده تربیت بدنی، صص ۱-۵.

➤ مرادی، مهدی؛ رستمی، امین؛ تقی زاده، رضا (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی*، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۸، صص ۱۸۱-۲۰۲.

➤ نصر اصفهانی، مهدی؛ نصر اصفهانی، مهرناز؛ دلوی اصفهانی، محمدرضا (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از دیدگاه مؤدیان و کارشناسان مالیاتی*، فصلنامه پژوهش های مالی اسلامی، شماره ۱، صص ۲۸-۳۶.

۲. حذف اطلاعات اضافی و ساده سازی فرم های اظهارنامه مالیاتی و هم چنین کاهش تشریفات در انجام تکالیف قانونی.

۳. ساده سازی و رفع ابهامات موجود در قوانین مالیاتی و بخشنامه های مربوطه و انتشار کامل و به موقع آنها برای ورزشکاران، مربیان و باشگاه های ورزشی.

۴. استفاده سازمان امور مالیاتی از تکنولوژی به روز اطلاعات مالی و مکانیزه کردن سیستم مالیاتی.

۵. متناسب سازی نرخ های مالیاتی برای ورزشکاران و مربیان با توجه به درآمد آنها. به طور کلی وظایف مدیران، مسئولان و سایر دست اندرکاران، ایجاد زمینه های لازم و اقدامات مناسب برای مقابله با مسائلی است که موجب فرار مالیاتی در میان ورزشکاران و مربیان حرفه ای گشته، تا بدین ترتیب بتوانند راه های فرار مالیاتی را تا حدودی مسدود نمایند.

## منابع

➤ اعتمادی، مریم (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه ای لیگ برتر استان اصفهان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، دانشکده تربیت بدنی، صص ۱۸-۳۶.

➤ الماسی، حسن؛ مرجانی، امیر بابک؛ قریشی، راحله (۱۳۹۱). *عوامل سازمانی مؤثر بر فرار مالیات بر ارزش افزوده (مطالعه موردی اداره کل مالیات بر ارزش افزوده شهر تهران)*، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۵، صص ۳۷-۵۰.

- Extensions*, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 17: 67-78.
- Roth, J.A, Scholz, J.T, Dryden-Witte, A (1989), *Taxpayer Compliance*, Volume 1: An Agenda for Research. Philadelphia, PN: University of Pennsylvania Press.
  - Saidu, S, Dauda, U (2014). *Tax Evasion and Governance Challenges in the Nigerian Informal Sector*, Journal of Finance and Economics, 2(5): 156-161.
  - Sikka, P, Hampton, M.P (2005). *The Role of Accountancy Firms in Tax Avoidance: Some Evidence and Issues*, Accounting Forum, 29(3): 325-343.
  - Tsakumis, G.T, Curatola, A.P, Porcano, T.M (2007). *The Relation between National Cultural Dimensions and Tax Evasion*, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 16: 131-147.
  - Uadiale, O.M, Fagbemi, T.O, Ogunleye, J.O (2010). *An Empirical Study of the Relationship between Culture and Personal Income Tax Evasion in Nigeria*, European Journal of Economics. 20(3): 117-122
  - BaAndreoni, J, Erard, B, Feinstein, J (1998). *Tax Compliance*, Journal of Economic Literature, 36: 818-860.
  - International Bureau of Fiscal Documentation (2001). *International Tax Glossary* (4th ed), Amsterdam, Netherlands: IBFD Publications.
  - Kaldor, N (1963). *Will Underdeveloped Countries learn to Tax?*, *Foreign Affairs*, 41(2): 410-19.
  - Muazzam Mughal, M, Akram, M (2012). *Reasons of Tax Avoidance and Tax Evasion: Reflections from Pakistan*, Journal of Economics and Behavioral Studies, 4(4): 217-222.
  - Okoeguale Ibadin, P, Eiya, O (2013). *Tax Evasion and Avoidance Behaviour of the Self-Employed Nigerians*, European Journal of Business and Management, 5(6): 1-14.
  - Okoye, P.V.C, Ezejiofor, R (2014). *The Impact of E-Taxation on Revenue Generation in Enugu, Nigeria*, International Journal of Advanced Research, 2(2): 449-458.
  - Richardson, G (2006). *Determinants of Tax Evasion: A Crosscountry Investigation*, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 15: 150-169.
  - Richardson, G (2008). *The Relationship between Culture and Tax Evasion across Countries: Additional Evidence and*



## Examine tax evasion among professional athletes and coaches with an emphasis on cultural, technology and governmental and legal factors

Mahboubeh Khodaparast<sup>1\*</sup>, Mohammad Soltanhoseini<sup>2</sup>, Mehdi Salimi<sup>3</sup>

Received: Jun 16, 2015

Accepted: Apr 20, 2015

### Abstract

**Objective:** The purpose of this study was to examine tax evasion among professional athletes and coaches with an emphasis on cultural, technology and governmental and legal factors.

**Methodology:** The present study is an applied research in terms of purpose and a descriptive one regarding the research method. Research information were collected by handmade questionnaire with 20 questions. The statistical sample was consisted of prominent professors in physical education and economic, managing directors of Isfahan professional sports clubs and their assistant directors, professional athletes and coaches. Accordingly, it was distributed 119 questionnaires among the statistical sample and then recollected. Cronbach's Alpha was used for analyzing the reliability of questionnaire, and this Cronbach's Alpha was 0.89. The questionnaire validity was confirmed by using sport management and economics' master's viewpoints. The research study area, the Isfahan city and statistical sample was coincided with the population. For analyzing data used of one sample t, Friedman and regression tests.

**Results:** Findings showed that among the cultural factors, the most important factor was the weakness of tax culture. Among the technological factors, the most important factor was the technological inability to identify taxpayers, and among the governmental and legal factors, the most important factor was the imbalance between athletes' income and tax levied on their income.

**Conclusion:** Based on the findings, recommendations are expressed as, promoting, advertising for and informing of tax culture through radio and television, improve technological ability to identify taxpayers, and create balance between athletes' income and tax levied on their income.

**Keywords:** tax evasion, cultural factors, technological factors, governmental and legal factors, professional athletes and coaches.

---

1. PhD Student in Sport Management, University of Tehran

2. Associated Professor in Sport management, University of Isfahan

3. Assistant Professor in Sport management, University of Isfahan

\*Email: mkhodaparast90@yahoo.com